

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس خارج فقه

سال تحصیلی (۱۴۰۱ - ۱۴۰۲)

مشهد مقدس

توسط استاد:

سید ابوالفضل طباطبائی اشکذری

فقه‌المسجد (مسجد طراز انقلاب اسلامی)

درس اول: (یکشنبه ۱۴۰۱/۷/۱۰، برابر با ۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۴)

الباب الثاني: امكانيات المسجد - علم و علم آموزی

(بيان مطالبی درباره‌ی اغتشاشات اخیر)

سال گذشته بحث فقه را با عنوان «فقه‌المسجد» آغاز کردیم و مباحثی را پیرامون این موضوع تقدیم نمودیم؛

امسال نیز موضوع را پیگیری می‌کنیم و ادامه مباحث را تقدیم خواهیم کرد.

چون در آغاز درس و مباحثه سال تحصیلی جدید هستیم؛ روایتی را از امیرمؤمنان علی علیه السلام محضر شما عزیزان

تقدیم می‌کنم.

حضرت در حکمت ۳۷۲ نهج‌البلاغه این‌گونه می‌فرمایند:

وَقَالَ عليه السلام لِجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ: «يَا جَابِرُ! قَوِّمِ الدِّينَ وَالدُّنْيَا بِأَرْبَعَةِ عَالَمٍ [يَسْتَعْمِلُ] مُسْتَعْمِلِ عِلْمِهِ وَجَاهِلِ لَا يَسْتَنْكِفُ أَنْ يَتَعَلَّمَ وَجَوَادٍ لَا يَبْخُلُ بِمَعْرُوفِهِ وَفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهِ فَإِذَا ضَيَّعَ الْعَالَمُ عِلْمَهُ اسْتَنْكَفَ الْجَاهِلُ أَنْ يَتَعَلَّمَ وَإِذَا بَخِلَ الْغَنِيُّ بِمَعْرُوفِهِ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهِ يَا جَابِرُ مَنْ كَثُرَتْ [نِعْمَةٌ] نِعَمَ اللَّهِ عَلَيْهِ كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ فَمَنْ قَامَ [بِمَا يَجِبُ لِلَّهِ عَرْضُ نِعْمَةِ اللَّهِ لِدَوَامِهَا وَ مَنْ ضَيَّعَ مَا يَجِبُ لِلَّهِ فِيهَا عَرَضَ نِعْمَتِهِ لَزَوَالِهَا] لِلَّهِ فِيهَا بِمَا يَجِبُ فِيهَا عَرْضُهَا لِلدَّوَامِ وَالْبَقَاءِ وَ مَنْ لَمْ يَقُمْ فِيهَا بِمَا يَجِبُ عَرْضُهَا لِلزَّوَالِ وَالْفَنَاءِ»^۱.

امیرمؤمنان علیه السلام به جابر بن عبدالله انصاری می‌فرماید: ای جابر! قوام، ماندگاری و ایستایی دین و دنیا به چهار

چیز است:

۱- عالمی که علمش را به کار گیرد.

۲- جاهلی که از آموختن خودداری نکند.

۳- بخشنده‌ای که نسبت به معروف خودش بخل نمی‌ورزد.

۴- فقیری که آخرتش را به دنیای خود نمی‌فروشد.

پس هرگاه عالم علم خود را تباه کند، نادان به آموختن روی نیاورد، هرگاه بی‌نیاز در بخشش بخل ورزد، فقیر آخرت خویش را به دنیا فروشد.

ای جابر! کسی که نعمت‌های فراوان خدا به او روی کرد، نیازهای فراوان مردم نیز به او روی آورد، پس اگر صاحب نعمتی حقوق واجب الهی را بپردازد، خداوند نعمت‌ها را بر او جاودانه سازد و آن کس که حقوق واجب الهی در نعمت‌ها را نپردازد، خداوند، آن را به زوال و نابودی کشاند.

شرح روایت

قوام، آن چیزی است که مقومیت دارد و سبب قوت، ماندگاری و استقرار دین می‌شود و متعلق آن در این جا، دین و دنیاست.

آنچه دین و دنیای انسان را به شکل صحیح و مطلوب، تثبیت و تأمین می‌کند در چهار چیز است که امیرمؤمنان علیه السلام آن‌ها را نام بردند.

برخی در ترجمه‌ی جمله‌ی «عَالِمٌ مُّسْتَعْمِلٌ عِلْمَهُ» دقت نداشته و آن را به عالمی که به علمش عمل کند ترجمه کرده‌اند.

«مُسْتَعْمِلٌ»؛ یعنی به کار بگیرد و علمش را به عمل بیاورد؛ لازمه‌اش این نیست که تنها خودم عمل کنم، بلکه

«مُسْتَعْمِلٌ»؛ یعنی عالمی که به مسئولیتش عمل کند و آن را به کار گیرد. به عنوان مثال، عالمی که علم اخلاق خوانده

است نحوه به‌کارگیری آن، اخلاق‌مداری خودش است؛ یا عالمی که فقه خوانده، جامعه را فقهی بار بیاورد؛ یا عالمی که سیاست خوانده، آن علم را در هدایت سیاست جامعه بکار گیرد؛ ازاین‌رو تنها جنبه‌ی فردی علم عالم مطرح نیست که وی با دانستن حرمت دروغ، از انجام آن خودداری کند؛ البته خوب است؛ اما «مُسْتَعْمِل» تنها این بخش را در بر نمی‌گیرد، بلکه کسی است که آن علم را در جامعه پیاده‌سازی کند.

این‌که این جواد و بخشنده، سخاوتش را نسبت به‌مردم گسترش بدهد، به آن‌ها خیری برساند و بخل نرزد؛ این بخشش، جهت‌های مالی، خدمت‌رسانی و راهنمایی مردم و دیگر جهات را در بر می‌گیرد؛ ازاین‌رو فقیر برای خرید آخرتش تلاش می‌کند و آن‌را نگه می‌دارد.

امیرمؤمنان علیه‌السلام در این روایت چهار قوام بیان فرمود: ۱- علم؛ ۲- یادگیری؛ ۳- بخشش؛ ۴- فقری که آخرت فروش نباشد.

جامعه هم عالم دارد و هم جاهل؛ نمی‌شود گفت که همه‌ی جامعه، جامعه‌ی علمی است و هیچ جاهلی در آن وجود ندارد، زیرا اگر جامعه عالم باشند و جاهلی در آن وجود نداشته باشد، همه‌ی جامعه باید دانشگاه و مرکز علمی باشد؛ حال آن‌که این‌گونه نیست و این امر ممکن نخواهد شد؛ چراکه به‌طور طبیعی جاهل نیز در جامعه خواهد بود.

افراد بخشنده و فقیر و تا دار نیز در جامعه هستند؛ جواد یک بخشش همراه با غنای مالی و یک بخشش نیز همراه با غنای نفسی است. فقیر نیز در جامعه هست و بدون آن نمی‌تواند باشد؛ اما این جامعه اگر به‌دنبال آبادی دین و دنیای خویش است باید این چهار گروه در جامعه به مسئولیت‌های خویش عمل کنند.

امیرمؤمنان علیه‌السلام در ادامه روایت علت اهمیت عمل به وظیفه این چهار گروه را بیان کرده و می‌فرماید که اگر این چهار گروه وظیفه‌ی خودشان را انجام ندهند چه بر سر جامعه خواهد آمد.

اگر عالم علمش را ضایع کند و به کار نگیرد، او علم را آموخته؛ اما آن را به کار نبرده است؛ به عنوان نمونه، علم تبلیغ را آموخته و تبلیغ نمی‌کند؛ یا علم کلام آموخته و عقیده مردم را با آموزش اصلاح نمی‌کند؛ نتیجه به کار نبردن علم توسط عالم این است که جاهل به دنبال یادگیری نمی‌رود و با خویش می‌گوید آن که یاد گرفته به کسی یاد نمی‌دهد؛ پس یادگرفتن من چه سودی دارد؟! لذا با این کار عالم علم خود را ضایع می‌کند و عالمی هم که علم خود را ضایع کند نتیجه‌اش این می‌شود که فرد جاهل به دنبال یادگیری نرود، زیرا با خویش می‌گوید آنکه یاد گرفته به کسی یاد نمی‌دهد؛ پس من چگونه باید یاد بگیرم؟!

اگر انسانی که توانایی مالی یا اجتماعی دارد، نسبت به معروفش (کار خیر) بخل بورزد؛ فقیر، نیازمند و بیچاره می‌ماند و در نتیجه به واسطه‌ی دشمنان و منحرفین، آخرتش را به دنیا می‌فروشد.

پس چهار گروه در جامعه وجود دارند که هر کدام دارای مسئولیتی هستند و از یکدیگر تأثیر و تأثر می‌پذیرند و با انجام مسئولیتشان دین و دنیا آن‌ها تأمین می‌شود و با خودداری از انجام مسئولیت، دین و دنیا خویش را دچار فساد خواهند کرد.

سند روایت

این روایت در منابع بسیاری از جمله نهج البلاغه از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است و در برخی از منابع دیگر نیز از امام باقر علیه السلام و ایشان از پدران ایشان از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده است^۱؛ اما در همه‌ی منابع، این کلام از امیرمؤمنان علیه السلام است.

در نهج البلاغه، عبارت «قَوَامُ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ» دارد؛ اما در برخی از نسخه‌ها «قَوَامُ الدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ»^۱ آمده و در برخی دیگر نیز «قَوَامُ الدِّينِ بِأَرْبَعَةٍ»^۲ آمده است؛ به نظر این روایات در نقل یکی بیشتر نیست.

نقش خواص در جامعه

موضوع این روایت بیان نقش خواص جامعه است و می‌خواهد بگوید که عالم و غنی جزء خواص جامعه هستند و با انجام مسئولیت آن‌ها جاهل در جهلش نمی‌ماند و فقیر، دین و آخرتش را به دنیا نمی‌فروشد.

امیرمؤمنان علیه السلام در این روایت چهار گروه را نام بردند؛ اما اگر دو گروه عالم و غنی به مسئولیت خویش عمل نمایند آن دو گروه دیگر (جاهل و فقیر) برای جامعه آسیب‌زا نخواهند بود و مشکلات علمی و اقتصادی آن‌ها خودبه‌خود حل خواهد شد؛ یعنی عالم و غنی با انجام مسئولیتشان قوام علمی و قوام اقتصادی جامعه را تثبیت می‌کنند؛ اما قوام علمی شامل قوام فرهنگی نیز می‌شود؛ از این رو علم و فرهنگ جامعه و دیگری اقتصاد و درآمد جامعه را در برمی‌گیرد.

اگر اقتصاد و درآمد جامعه خوب باشد و غنی به فکر فقیر باشد، به ایجاد فرهنگ زندگی صحیح و درست خواهد انجامید؛ بنابراین اگر در جامعه علما به مسئولیت خویش عمل کنند دیگر جهل در جامعه آسیب به‌شمار نمی‌آید، زیرا جاهل به دنبال علم‌آموزی می‌رود و جهل در جامعه برطرف می‌شود.

۱ - وَ قَالَ علیه السلام: «قَوَامُ الدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ بِعَالِمٍ مُسْتَعْمِلٍ لِعِلْمِهِ وَ بَغْيٍ بِإِذْلِ لِمَعْرُوفِهِ وَ بِجَاهِلٍ لَا يَتَكَبَّرُ أَنْ يَتَعَلَّمَ وَ بِفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ وَ إِذَا عَطَلَ الْعَالَمُ عِلْمَهُ وَ أَمْسَكَ الْغَنِيُّ مَعْرُوفَهُ وَ تَكَبَّرَ الْجَاهِلُ أَنْ يَتَعَلَّمَ وَ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ فَعَلَيْهِمُ الثُّبُورُ»؛ (تحف العقول، ص ۲۲۲؛ بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶۲، ح ۱۴۳؛ با اندک تفاوتی در رساله فی المهر، ص ۳۱؛ غرر الحکم، ص ۵۰۴، ح ۱۰۵؛ مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۳۷؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۶، ح ۴۴ و ج ۷۱، ص ۴۱۷، ح ۳۹).

۲ - قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: «قَوَامُ الدِّينِ بِأَرْبَعَةٍ بِعَالِمٍ نَاطِقٍ مُسْتَعْمِلٍ لَهُ وَ بَغْيٍ لَا يَخْلُ بِفَضْلِهِ عَلَى أَهْلِ دِينِ اللَّهِ وَ بِفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا وَ بِجَاهِلٍ لَا يَتَكَبَّرُ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ فَإِذَا كَثُرَ الْعَالَمُ عِلْمُهُ وَ بَخِلَ الْغَنِيُّ بِمَالِهِ وَ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا وَ اسْتَكْبَرَ الْجَاهِلُ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ»؛ (خصال، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۵؛ روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (طه القدیمة)، ج ۱، ص ۶؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۶۱ و ج ۲، ص ۶۷، ح ۹).

پس این دو گروه (عالم و غنی) در صلاح و فساد جامعه مؤثرند. هنگامی که سخن از علما و نقش آنها در جامعه می‌کنیم منظور عمل به مسئولیتشان با سلاح علم است تا اینکه جامعه به‌سوی صلاح حرکت کند؛ یعنی عالم در هر میدانی که حضورش ضروری است باید با سلاح علمش ورود پیدا کند و جامعه را به صلاح برساند.

چگونگی به‌کارگیری مؤثر علم در جامعه

به‌کارگیری علم در چند بخش مؤثر باشد:

۱ - هدایت عقیدتی جامعه. (هدایت باورها)

گاهی استعمال علم به‌خاطر هدایت عقیدتی و اصلاح باورهای جامعه است.

۲ - بیان معارف دینی و الهی.

گاهی بیان احکام و معارف الهی است.

۳ - هدایت‌های اجتماعی. (سبک زندگی)

گاهی استعمال علم برای هدایت اجتماعی است؛ یعنی عالم با به‌کارگیری علم خود از ایجاد سبک زندگی نادرست همچون سبک زندگی کفار در میان مردم جلوگیری می‌نماید.

۴ - تبیین مظلومیت‌ها و ظلم‌ها.

گاهی عالم با به‌کارگیری علم خود به تبیین مظلومیت‌ها و ظلم‌ها در جامعه می‌پردازد.

یکی از مواردی که عالم علم خود را به‌کار می‌گیرد زمانی است که به شناساندن مظلوم و ظالم می‌پردازد و چپستی ظلم و مظلوم را تبیین می‌کند؛ بنابراین اگر بخواهند جامعه درست باشد باید جایگاه ظالم و مظلوم مشخص باشد و این جایگاه تغییر نکند؛ از این‌رو عالم با به‌کارگیری علم خود از تغییر و جابجایی این دو (ظالم و مظلوم) با یکدیگر جلوگیری می‌کند.

این وظیفه بسیار حساسی است که گاهی اوقات تبیین ظلم‌ها و مظلومیت‌ها و معرفی ظالمان و مظلومان جامعه از سوی عالمان کمتر مورد توجه واقع می‌شود.

نقش خواص در حوادث اخیر کشور

در قضایای اخیر جمهوری اسلامی ایران، برخی از ارزش‌ها با تلاش دشمنان و عمل نکردن خواص به وظیفه‌ی خویش مظلوم واقع شد و برای مردم برخی از جایگاه‌ها به‌عنوان ظالم معرفی شدند. دین اسلام نخستین چیزی بود که در این حوادث مظلوم واقع شد؛ ارزش‌های اسلامی همچون حجاب و برخی از گروه‌های جامعه به‌ویژه بانوان محجبه مظلوم واقع شدند؛ همچنین برخی از مدافعان نظم و امنیت در غالب نیروهای نظامی و بسیجیان مظلوم واقع شدند؛ و از همه بالاتر، نظام جمهوری اسلامی ایران و رهبری نظام مظلوم واقع شدند.

دشمن به سبب برخی از بی‌بصیرت‌ها تلاش کرد تا همین مظلومان را ظالم جلوه دهد؛ مثلاً حجاب را نوعی ظلم به زنان معرفی کند، یا مدافعان نظم جامعه را به‌عنوان قاتل یک زن معرفی کند و نظام و جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان کشوری ضد حقوق بشر در جهان بشناساند و از این ظلم بالاتر نیست که جای ظالم با مظلوم عوض بشود!

آنچه در این شرایط انتظار می‌رفت این بود که خواصی که برای داشتن پیروان فراوان ادعا داشتند و خود را دلسوز جامعه نشان می‌دادند و در هر مسئله جزئی پیش آمده در جامعه زبان به انتقاد می‌گشودند و مشکلات و ضعف‌ها را به آسانی بیان می‌کردند، این‌جا سکوت نکنند و دشمنان و ظالمان را با این سکوت همراهی ننمایند؛ آن‌ها دشمن را در میدان دیدند که به سبب هیجانات کاذبی که در جامعه ایجاد کرده بود منجر به آتش زدن پلیس و تخریب اموال عمومی و خدماتی همچون ماشین اورژانس شده بودند؛ اما آن‌ها نه تنها حاضر به برائت قلبی از دشمن نشدند، بلکه با زبان‌شان نیز حاضر به محکومیت حرکات دشمن نشدند.

برای روشن شدن مطلب به روایتی اشاره می‌کنم:

و رَوَى ابْنُ جَرِيرٍ الطَّبْرِيُّ فِي تَارِيخِهِ: عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى الْفَقِيهِ وَكَانَ مِمَّنْ خَرَجَ لِقِتَالِ الْحَجَّاجِ مَعَ ابْنِ الْأَشْعَثِ أَنَّهُ قَالَ فِيمَا كَانَ يَحُضُّ بِهِ النَّاسَ عَلَى الْجِهَادِ إِنِّي سَمِعْتُ عَلِيًّا رَفَعَ اللَّهُ دَرَجَتَهُ فِي الصَّالِحِينَ وَأَثَابَهُ ثَوَابَ الشُّهَدَاءِ وَالصِّدِّيقِينَ يَقُولُ يَوْمَ لَقِينَا أَهْلَ الشَّامِ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِنَّهُ مَنْ رَأَى عَدُوَّنَا يَعْمَلُ بِهِ وَ مُنْكَرًا يَدْعَى إِلَيْهِ فَأَنْكَرَهُ بِقَلْبِهِ فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرِئَ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أُجِرَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لَتَكُونَ ﴿كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا﴾^۱ وَ كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَ قَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَ نَوَّرَ فِي قَلْبِهِ الْيَقِينَ^۲.

ابن جریر طبری در تاریخ خود از عبدالرحمن بن ابی لیلی فقیه نقل کرد، که برای مبارزه با حجاج به کمک ابن اشعث برخاست، برای تشویق مردم گفت من از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام درحالی که با شامیان روبرو شدیم شنیدم که فرمود: ای مؤمنان! هر کس تجاوزی را بنگرد و شاهد دعوت به منکری باشد و در دل آن را انکار کند خود را از آلودگی سالم داشته است و هر کس با زبان آن را انکار کند پاداش آن داده خواهد شد و از اولی برتر است و آن کس که با شمشیر به انکار برخیزد تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست گردد، او رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده است.

شرح روایت

دشمنان با نظام اسلامی مبارزه کرده و به بی حجابی دعوت می کنند و حجاب را نوعی ظلم به زنان می دانند. لسان، شمشیر علما و خواص است که بر راه درست گام نهاده و خدا نور یقین را در دلشان قرار داده است؛ پس باید در این حوادث به میدان بیایند؛ اما این کار در بین برخی از خواص رخ نداد و آن ها از سخن گفتن پیرامون این حوادث احساس خجالت کردند و برخی نیز در برابر حرکت هایی که از سوی دشمن هدایت می شد عجله کرده و نظام را متهم نمودند.

۱ - توبه: ۴۰/۹.

۲ - نهج البلاغه، حکمت ۳۷۳، ص ۵۴۱؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۸۹، ح ۶۹؛ تاریخ طبری، ج ۶، ص ۳۵۷.

متأسفانه در میان روحانیون نیز برخی در این دسته قرار گرفته‌اند؛ از این رو باید از خداوند طلب عاقبت‌به‌خیری نمود. هنگامی که عالمان و اصحاب فرهنگ به‌جهاد تبیین روی نمی‌آورند و به آن عمل نمی‌کنند برخی از جوانان، فریفته حرف‌های به‌ظاهر حقوق بشری دشمن شده و با احساسات به میدان می‌آیند.

ملت که همان عموم مردم جامعه هستند همیشه وظیفه خویش را پیش از خواص انجام می‌دهند و در حضور در میدان مقدم هستند؛ در این حادثه‌ی اخیر نیز از مظلوم‌هایی دفاع کردند که دشمن سعی در ظالم نشان دادن آن‌ها داشت. حضور مردم پرده را از چهره منافقان برداشت و توطئه‌ی آن‌ها را رو کرد.

برخی این حرکت ملت را نیز بد تفسیر می‌کنند، زیرا این ملت برای دو قطبی‌سازی نیامد تا به آن دخترخانمی که ذره‌ای چادرش عقب کشیده شده یا دختری که فریب‌خورده و به خیابان آمده و روسری خود را برداشته است؛ و یا جوانی که از روی فریب‌خوردگی اقدامی را انجام داده است، بگوید شما آن طرف هستید و ما این طرف هستیم؛ ملت نه‌تنها در نقشه دو قطبی‌سازی دشمن بازی نکرد، بلکه وارد میدان شد تا بگوید شما فرزند این ملت هستید و فریب خوردید؛ اما چرا اجازه دادید که دشمن شمارا بازیچه دست خویش قرار دهد؛ پس برگردید، چراکه شما فرزند این سرزمین هستید و پیوندی با دشمن ندارید.

هدف دشمن دو قطبی‌سازی به‌ویژه در ارزش‌هاست و می‌خواهد بگوید عده‌ای حجاب را قبول دارند و برخی دیگر آن‌را نپذیرفته‌اند؛ درحالی که این‌گونه نیست و از برخی‌ها سوءاستفاده شد؛ از این رو وظیفه‌ی عالمان جامعه این است که برای دفاع از فرهنگ حجاب، اسلام و قرآن به میدان بیایند و با بازخوانی جوانانی که فریب‌خورده دشمن شدند و با هیجان و احساس به میدان اغتشاشات آمدند آن‌ها را به‌سوی ملت بازگردانند.

از خدای عزوجل می‌خواهیم که ما را با مسئولیت‌مان آشنا کند تا از نظامی دفاع کنیم که در عین مظلومیت، دشمن برای ظالم نشان دادن آن تلاش می‌کند؛ امروز دفاع از نظام و انقلاب تقیه بردار نیست؛ چراکه زمان تقیه کردن نیست؛ باید زبان گشود و به میدان آمد و از مظلومانی دفاع نمود که دشمن سعی در ظالم نشان دادن آن دارد؛ البته تاکنون ملت عزیز ایران اسلامی مثل همیشه به وظیفه‌ی خودشان عمل کردند.